دوشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۳
شماره ۴۲۲۴
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

کشته‌شدن ۳ صهیونیست در مرز با اردن توسط یک راننده اردنی نویددهنده گشایش جبهه جدیدی علیه تل‌آویو است

از جایی که فکر نمی‌کنید؛ می‌خورید

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

روز یکشنبه سه صهیونیست در تیراندازی در گذرگاه کرامه، از سمت فلسطین کشته شدند. این گذرگاه از طرف اردن با نام «النبی» شناخته می‌شود و در مرز بین اردن و کرانه باختری اشغالی قرار دارد. مدیر صهیونیست این گذرگاه گفت که سه نگهبان امنیتی از فاصله نزدیک توسط راننده‌ای که از اردن عبور می‌کرد، مورد تیراندازی قرار گرفتند. تیراندازی در نزدیکی منطقه تجاری تحت کنترل رژیم صهیونیستی رخ داد، جایی که کامیون‌های اردنی بار خود را که از اردن وارد کرانه باختری می‌شوند، تخلیه می‌کنند. اردن پل «النبی» را که در میان فلسطینیان به نام پل «کرامه» شناخته می‌شود؛ تا اطلاع ثانوی بسته است زیرا مقامات در حال بررسی این حادثه‌اند. رژیم صهیونیستی همچنین هر سه گذرگاه زمینی خود با اردن را بسته است. یک مقام مرزی اردنی به خبرگزاری رویترز گفت؛ تعدادی راننده کامیون اردنی در منطقه تخلیه بار توسط ارتش رژیم صهیونیستی برای بازجویی بازداشت شده‌اند. این گذرگاه که در شمال بحر «میت» قرار دارد، تنها نقطه ورودی بین‌المللی برای فلسطینیان از کرانه باختری است که از رژیم صهیونیستی عبور نمی‌کند. این گذرگاه توسط نگهبانان امنیتی خصوصی و نیروهای امنیتی صهیونیستی که در آن مستقرند، اداره می‌شود.

به گزارش رادیو ارتش رژیم صهیونیستی جزئیات اولیه نشان می‌دهد که راننده کامیون اردنی از اراضی اردن به این گذرگاه رسیده و یک تپانچه کوچک را در کامیون خود پنهان کرده بود. او با این تپانچه در سالن باربری به سمت صهیونیست‌ها شلیک کرده. خبرنگار المیادین در فلسطین اشغالی تایید کرد که این عملیات در اراضی فلسطین اشغالی و بین دو پست ایست و بازرسی نیروهای اشغالگر صهیونیستی انجام شده است. همچنین روزنامه صهیونیستی «معاریو» گزارش داد که کشته‌شدگان در این عملیات تیراندازی از نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی وابسته به «سازمان گذرگاه‌ها» بوده‌اند. رسانه‌های صهیونیستی نیز اعلام کردند که ارتش رژیم رانندگان کامیون‌ها را در گذرگاه النبی پس از این عملیات بازداشت کرده است. این عملیات پس از سلسله‌ای از حملات توسط مبارزان فلسطینی علیه سربازان اشغالگر و شهرک‌نشینان در کرانه باختری و اراضی اشغالی صورت گرفته. اکثر این حملات توسط گردان‌های عزالدین قسام، شاخه نظامی جنبش مقاومت فلسطین حماس، به‌ویژه عملیات‌های «گوش عتصیون» و «کرمی تسور» در نزدیکی شهر الخلیل در جنوب کرانه باختری اشغالی در تاریخ ۳۰ اوت انجام شده است. گردان‌های قسام در بیانیه‌ای اعلام کردند: «با افشای نخستین عملیات استشهادی ما در الخلیل، تاکید می‌کنیم که همه استان‌های کرانه باختری غافلگیری‌های دردناکی برای اشغالگران خواهند داشت.» گردان‌های قسام همچنین در ۱۹ اوت گذشته اعلام کرده بودند؛ عملیات‌های استشهادی در داخل اراضی اشغالی تا زمانی که جنایات اشغالگران، آوارگی غیرنظامیان و سیاست ترورها ادامه داشته باشد، به صحنه بازخواهند گشت. این اعلامیه پس از انجام یک عملیات استشهادی در تل‌آویو با همکاری سرایا القدس منتشر شد.

اردن و بیش از ۲ میلیون آواره فلسطینی

اردن میزبان بیش از دو میلیون پناهنده فلسطینی است که آن را به بزرگ‌ترین مرکز جمعیتی پناهندگان فلسطینی از زمان نکبت ۱۹۴۸ تبدیل کرده است. این پناهندگان ارتباطات نزدیک با هموطنان خود در کرانه باختری و غزه دارند و بسیاری همچنان بر حق بازگشت به سرزمین‌های اجدادی خود تاکید می‌کنند. با وجود تلاش‌های دولت اردن برای ادغام این پناهندگان در جامعه اردن که تحت فشار رژیم صهیونیستی و متحدان غربی‌اش صورت گرفته، این فرآیند با مشکلات بسیاری روبه‌رو بوده و پناهندگان به‌طور کامل در جامعه ادغام نشده‌اند و از مطالبات تاریخی خود برای حق بازگشت به فلسطین دست نکشیده‌اند.

از زمان نکبت، اردن رابطه پیچیده‌ای با جمعیت فلسطینی خود داشته است. از یک سو این کشور به بسیاری از پناهندگان فلسطینی تابعیت اعطا کرده و به آنها دسترسی به برخی حقوق مدنی و فرصت‌ها را داده است. از سوی دیگر، این امر لزوما به معنای ادغام کامل در جامعه نبوده، زیرا فلسطینی‌ها در اردن اغلب با تبعیض و حاشیه‌نشینی مواجه می‌شوند. علاوه‌بر این، مساله هویت فلسطینی همچنان موضوعی نیرومند باقی مانده است و بسیاری از پناهندگان از تسلیم کردن حق بازگشت به فلسطین خودداری می‌کنند، مطالبه‌ای که با منافع رژیم صهیونیستی در تضاد است و سیاست داخلی اردن را پیچیده می‌کند. آغاز نسل‌کشی در غزه و حملات و تجاوزات اخیر ارتش رژیم به کرانه باختری، تنش‌ها در اردن را تشدید کرده است. اعتراضات و تحصن‌هایی در سراسر کشور به وقوع پیوسته و هم اردنی‌ها و هم پناهندگان فلسطینی حمایت خود را از فلسطینی‌های غزه اعلام کرده و اقدامات نظامی رژیم صهیونیستی را محکوم کرده‌اند. امان، پایتخت اردن، شاهد تظاهرات متعدد بوده که برخی از آنها به اعتراضات گسترده تبدیل شده و توجهات را به نارضایتی عمیق میان فلسطینی‌های ساکن اردن جلب کرده است. شدت گرفتن خشونت‌ها در کرانه باختری نیز منجر به افزایش حس ملی‌گرایی فلسطینی در میان فلسطینی‌های ساکن اردن شده است؛ به‌ویژه در میان جمعیت پناهندگان که همدلی آنها با جنبش مقاومت فلسطین در ماه‌های اخیر بیشتر شده است. افزایش محبوبیت‌های گروه‌های مقاومت به‌ویژه حماس در میان جوانان در اردن، چالشی برای دولت این کشور محسوب می‌شود. در تلاشی برای حفظ ثبات و جلوگیری از گسترش ناآرامی‌ها، مقامات اردنی سرکوب‌هایی علیه فعالان، ازجمله رهبران دانشجویی و مدنی که در تظاهرات حامی فلسطین شرکت کرده‌اند، انجام داده‌اند. رسانه‌های محلی از بازداشت و دستگیری افرادی که برای حمایت از آرمان فلسطین فعالیت می‌کنند، گزارش‌هایی منتشر کرده‌اند.

اهمیت استراتژیک اردن برای رژیم صهیونیستی غیرقابل انکار است. به‌عنوان یک کشور همسایه و یکی از دو کشور عربی که با رژیم پیمان صلح امضا کرده، اردن نقشی حیاتی در امنیت منطقه‌ای دارد. رژیم صهیونیستی مدت‌هاست که تلاش کرده تا جمعیت پناهندگان فلسطینی در اردن را آرام نگه دارد، زیرا از آن بیم دارد که هرگونه افزایش گرایش به مبارزه‌طلبی فلسطینی‌ها می‌تواند اردن را بی‌ثبات کند و به یک منازعه منطقه‌ای گسترده‌تر منجر شود. درنتیجه، رژیم صهیونیستی به دولت اردن فشار آورده تا سیاست ادغام فلسطینی‌ها را ادامه داده و هرگونه شورش احتمالی در میان جمعیت پناهنده را سرکوب کند. با این حال، این سیاست به‌طور کامل موفق نبوده است. جمعیت پناهندگان فلسطینی در اردن، به‌ویژه نسل‌های جوان‌تر، همچنان به‌شدت با آرمان فلسطین همدلی دارند و به‌طور فزاینده‌ای به جنبش‌های مقاومت در غزه و کرانه باختری علاقه‌مند شده‌اند. هرچه درگیری‌ها تشدید شود، این جمعیت پناهنده به یک «بمب ساعتی» برای هر دو دولت اردن و رژیم صهیونیستی تبدیل می‌شود. هرچه اشغال سرزمین‌های فلسطینی توسط رژیم ادامه یابد و خشونت علیه فلسطینی‌ها افزایش یابد، احتمال رادیکالیزه شدن این جمعیت بیشتر می‌شود و این مساله می‌تواند اردن را بی‌ثبات کرده و درنتیجه امنیت رژیم صهیونیستی در مرزهای شرقی‌اش به خطر افتد.

اردن به منزله یک شریان حیاتی به اسرائیل

نقش استراتژیک اردن در زیرساخت‌های امنیتی و تجاری رژیم صهیونیستی از زمان امضای پیمان صلح در سال ۱۹۹۴ بسیار حیاتی بوده است. این پیمان به رسمی شدن روابط بین رژیم و اردن پرداخت و اردن را به یکی از معدود همسایگان عرب رژیم صهیونیستی که روابط خود را با این رژیم عادی کرده، تبدیل کرد. این رابطه هرچند اغلب حساس، به توسعه همکاری‌های اقتصادی و امنیتی قابل توجهی منجر شده است، ازجمله از طریق بندر عقبه در دریای سرخ که به‌عنوان یک مسیر حیاتی برای انتقال کالاهای صهیونیستی عمل می‌کند.

نقش اردن به‌عنوان یک مرکز ترانزیت به‌ویژه در شرایطی که رژیم صهیونیستی با دیگر همسایگان خود مانند سوریه، لبنان و غزه درگیر است، بسیار حیاتی است. بی‌ثباتی مداوم در لبنان، فعالیت‌های حزب‌الله و درگیری با سوریه باعث شده که رژیم صهیونیستی به اردن برای حفظ مسیرهای تجاری باز و ایمن متکی باشد. علاوه‌بر این، با ادامه نسل‌کشی در غزه و پاسخ‌های مقاومت و همچنین تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی به کرانه باختری، مسیرهای جنوبی از طریق مصر به‌ویژه بندر ایلات به دلیل حملات یمن اغلب در معرض خطرند. در این زمینه، ثبات و همکاری اردن برای رژیم صهیونیستی در حفظ دسترسی به منابع ضروری و کلیدی است.

اقتصاد اردن که زمانی از پیمان صلح بهره‌برداری می‌کرد، در حال حاضر تحت فشار به دلیل بی‌ثباتی منطقه‌ای و بحران پناهندگان قرار دارد. در حالی که پیمان صلح زمانی به اردن امکان جذب کمک‌های آمریکا و منافع اقتصادی را داد، فشارهای داخلی اکنون در حال افزایش است و دولت اردن به‌طور فزاینده‌ای نسبت به نزدیک شدن به رژیم صهیونیستی محتاط است. عملیات استشهادی اخیر که ممکن است توانایی اردن برای خدمت به‌عنوان شریان حیاتی رژیم برای کالاها را مختل کند، می‌تواند آغازی بر افزایش تنش‌ها و احتمال اختلال در رابطه اردن و رژیم صهیونیستی باشد و عرصه را برای رژیم تنگ‌تر کند.

در حالی که اردن تاکنون به درخواست‌ها برای توقف پیمان صلح یا لغو معاملات اقتصادی کلیدی پاسخ نداده، وضعیت با انسداد گذرگاه مرزی از روز گذشته ناپایدار است. هر اختلال قابل توجهی، چه به دلیل ناآرامی‌های داخلی یا اقدامات خارجی، می‌تواند عواقب جدی برای رژیم صهیونیستی داشته باشد که به اردن به‌عنوان یک مسیر ترانزیت امن در منطقه‌ای بسیار بی‌ثبات وابسته است. اهمیت استراتژیک اردن برای رژیم نمی‌تواند نادیده گرفته شود، به‌ویژه با گرفتار شدن رژیم در باتلاق جنگ در غزه و شمال و کرانه باختری، وابستگی رژیم به اردن روزافزون می‌شود. نقش اردن به‌عنوان یک «شریان حیاتی» برای تجارت و امنیت رژیم صهیونیستی به‌طور فزاینده‌ای در معرض خطر است که می‌تواند منجر به عواقب ژئوپلیتیکی و اقتصادی قابل توجهی برای صهیونیست‌ها شود.

انفجار در کرانه، ترکش‌ها در اردن

رژیم اشغالگر صهیونیستی عملیات نظامی گسترده و متمرکز خود را در شمال کرانه باختری در تاریخ ۲۸ اوت آغاز کرد که به‌طور خاص شهرهای طوباس، طولکرم، جنین و اردوگاه‌هایی مانند نور شمس، جنین و الفارعه را هدف قرار داده. آنچه در حال وقوع است، تنها حلقه‌ای جدید در زنجیره‌ای از عملیات‌های نظامی است که سال‌هاست ادامه دارد، مانند عملیات «دیوار دفاعی»، «چیدن علف»، «خانه و باغ» و اکنون به عملیات «اردوگاه‌های تابستانی» رسیده‌ایم. اگرچه این عملیات‌ها توانسته‌اند به‌طور موقت مقاومت فلسطین را تضعیف کنند اما مقاومت به سرعت با قدرت بیشتر و گسترش وسیع‌تر، به‌ویژه در میان جوانان فلسطینی، بازگشته است. نظرسنجی‌های انجام شده توسط مرکز پژوهش‌ها و مطالعات سیاسی فلسطین در ژوئن/خرداد ۲۰۲۴ نشان داد که ۷۵ درصد از فلسطینیان در کرانه باختری و نوار غزه از عملیات «طوفان الاقصی» حمایت می‌کنند و معتقدند که این عملیات مساله فلسطین را دوباره به کانون توجه جهانی بازگردانده است.

با وجود شدت عملیات‌های امنیتی رژیم صهیونیستی، مقاومت فلسطینی از نظر کمی و کیفی رشد کرده و در داخل کرانه باختری به شکلی گسترش یافته که رژیم را نگران کرده است. کرانه باختری نقطه‌ای حساس در امنیت رژیم است و در طول تاریخ همواره منبع عملیات‌های استشهادی در قلب شهرهای رژیم صهیونیستی بوده که برای سال‌ها متوقف شده بودند اما اکنون دوباره بازگشته‌اند. یکی از این عملیات‌ها، حمله جوانی فلسطینی به تل‌آویو در ماه گذشته بود که با حمل ۱۰ کیلوگرم مواد منفجره رخ داد. این حادثه، چالشی استراتژیک برای بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و دولت او ایجاد کرده است که تحت فشار دستگاه‌های امنیتی و ارتش برای توافق با حماس قرار دارند تا از فرسایش و درگیر شدن در مواجهه‌ای دیگر جلوگیری کنند. گسترش مقاومت فلسطین مانعی برای پروژه شهرک‌سازی رژیم است که توسط دولت به رهبری وزرای دارایی و امنیت ملی، بزالل اسموتریچ و ایتمار بن غفیر، تحت رهبری بنیامین نتانیاهو حمایت می‌شود. دولت رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند تا تعداد شهرک‌نشینان در کرانه باختری را با هدف پایان دادن به ایده دولت فلسطینی، یهودی‌سازی قدس و مسجد الاقصی و الحاق کرانه باختری به حاکمیت رژیم با استفاده از سیاست‌های واقعیت موجود از ۸۰۰ هزار نفر به ۲ میلیون نفر در سال‌های آینده افزایش دهد.

اگرچه عملیات‌های دستگیری، تهاجم و قتل در کرانه باختری پیش از ۷ اکتبر متوقف نشده بود اما پس از نبرد طوفان الاقصی شدت بیشتری یافت. طی ۱۱ ماه گذشته، این عملیات‌ها منجر به شهادت بیش از ۶۰۰ فلسطینی، زخمی شدن حدود ۵۸۰۰ نفر و دستگیری بیش از ۱۰ هزار نفر شده است. شرایط کنونی تنها به سمت انفجار اوضاع در کرانه باختری پیش می‌رود؛ افق سیاسی مسدود و رژیم اشغالگر به دنبال از بین بردن ایده دولت فلسطینی است و شهرک‌سازی در حال افزایش است و زمین‌های زراعی و منابع آبی را غصب می‌کند. حملات شبه‌نظامیان شهرک‌نشین که توسط ارتش رژیم حمایت می‌شوند به روستاهای فلسطینی شدت یافته است. این افراد فلسطینی‌ها را می‌کشند و خانه‌ها، مزارع و خودروهای آنها را به آتش می‌کشند. رونین بار، رئیس دستگاه شاباک در پیامی به نخست‌وزیر نتانیاهو هشدار داده و گفته که «تروریسم یهودی» می‌تواند وضعیت در کرانه باختری را شعله‌ور کند که این موضوع چالشی اضافی برای ارتش رژیم صهیونیستی ایجاد می‌کند که در غزه و با حزب‌الله در شمال درگیر است. علاوه‌بر این، سیاست‌های ادامه‌دار یهودی‌سازی قدس و مسجد الاقصی نیز به تنش‌ها دامن می‌زند. انفجار اوضاع در کرانه باختری در وضعیتی که رژیم صهیونیستی در باتلاق جنگ‌های بی‌پایان خود قرار دارد، همچون انفجار مین‌هایی که سال‌ها زیر بار پروژه‌های عادی‌سازی دفن شده بودند؛ دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. با این تفاصیل، اردن می‌تواند نخستین حلقه از بمب‌های ساعتی برای رژیم باشد و عملیات‌هایی چنین در مصر و دیگر کشورهای مجاور رژیم صهیونیستی دور از ذهن به نظر نمی‌رسد.

آستانه صبر هسته‌ای کاخ کرملین چقدر است؟

رمزگشایی از هشدار ریابکوف

فرهیختگان

این روزها برخی منابع غربی به جای تمرکز بر آنچه در متن نبرد روسیه- اوکراین در کورسک یا دونباس می‌گذرد، روی فرامتن این نبرد و تبعات کوتاه‌مدت و درازمدت آن متمرکز شده‌اند. جنگ اوکراین به‌طور کلی پدیده‌ای است که نه‌تنها رفتار سیاستمداران روسی و اوکراینی، بلکه اولویت‌ها و حتی پیش‌فرض‌های آنها در حوزه سیاست خارجی را تغییر داده است. تغییر پیش‌فرض‌های ذهنی رهبران روسی و اوکراینی نیز معنایی جز تغییر دکترین‌ها و حتی راهبردهای کلان طرفین در حوزه روابط بین‌الملل نخواهد داشت. بر همین اساس نمی‌توان ورود اوکراینی‌ها به خاک روسیه (منطقه کورسک) یا تشدید تحرکات روس‌ها در دونباس شرقی را در قالب یک منازعه ساده یا احساسی تحلیل کرد.

هشدار ریابکوف

سرگئی ریابکوف، معاون وزیر امور خارجه روسیه هفته گذشته هشدار داد که روسیه در واکنش به آنچه او تشدید جنگ در اوکراین از سوی غرب خواند، تغییراتی در دکترین خود در مورد استفاده از سلاح هسته‌ای ایجاد خواهد کرد. وی این موضوع را به مثابه گزاره و خبری قطعی بیان کرده است. دکترین هسته‌ای فعلی روسیه- که در فرمانی از سوی ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری این کشور در سال ۲۰۲۰ بیان شد- عنوان می‌کند روسیه ممکن است درصورت حمله هسته‌ای دشمن یا حمله با سلاح‌های متعارفی که موجودیت کشور را تهدید کند، دست به استفاده از سلاح هسته‌ای بزند. در اینجا مفهوم و مصداقی تحت‌عنوان «آستانه استفاده از سلاح هسته‌ای» وجود دارد. به‌عبارت بهتر، سیاستمداران ارشد روسی حدود و ثغور زمانی و همچنین چگونگی (سطح) استفاده از سلاح هسته‌ای را در دکترین خود تعیین کرده‌اند. اما آیا امکان تقلیل سطح این آستانه تعیین‌شده (در سال ۲۰۲۰) وجود دارد؟ واقعیت امر این است که تقویت تسلیحاتی اوکراین از سوی اعضای پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) به‌طور طبیعی منجر به تقویت انگیزه برخی مقامات روسی مبنی بر تقلیل آستانه استفاده از سلاح هسته‌ای شده است. ورود نیروهای اوکراینی به کورسک و استفاده از پهپادها و پرتابه‌های مدرن آمریکایی-انگلیسی از سوی اوکراینی‌ها، این روند را تشدید و ریابکوف را وادار به اعلام رسمی این موضوع کرده است.

دکترین هسته‌ای؛ ابزار زنده!

شاید بتوان ابعاد این معادله پیچیده و البته خطرناک را با استناد به سخنان پوتین در ماه ژوئن امسال مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. پوتین در آن زمان اظهار داشت: «دکترین هسته‌ای روسیه یک ابزار زنده است که بسته به رویدادهای جهانی می‌تواند تغییر کند.» ابزار زنده به نیروی محرک یا بازدارنده‌ای اطلاق می‌شود که در منازعات بین‌المللی به‌مثابه برگ برنده برای دارنده و عامل آن عمل می‌کند؛ ابزاری که زمان و نحوه استفاده از آن قابل پیش‌بینی مطلق نبوده و معطوف به شرایط زمانی و مکانی دستخوش تغییر می‌شود. اظهارات ریابکوف نشان می‌دهد واقعا تغییراتی در این دکترین قریب‌الوقوع است. به‌عبارت بهتر اظهارات ریابکوف را می‌توان پیش‌درآمدی بر تغییر دکترین هسته‌ای روسیه یا همان تقلیل آستانه استفاده از این سلاح در مواجهه با اوکراین دانست. طی هفته‌ها و حتی ماه‌های گذشته، اخباری درخصوص احتمال تغییر دکترین هسته‌ای روسیه منتشر شده بود اما این بار ماجرا شکل جدی‌تری به خود گرفته است.

خطوط قرمز پررنگ روسیه

مقامات روسی به‌صورت مشخص، ناتو را مولد جنگ اخیر در خاک روسیه (کورسک) قلمداد می‌کنند. دستگاه‌های اطلاعاتی روسیه قویا معتقدند زلنسکی بدون جلب حمایت و رضایت پشت‌پرده اعضای ارشد پیمان آتلانتیک شمالی (مخصوصا آمریکا و انگلیس) هرگز چنین ریسکی را در کورسک صورت نمی‌داد. کاخ کرملین بارها عنوان داشته که غرب از اوکراین به‌عنوان نیروی نیابتی برای جنگ علیه روسیه استفاده می‌کند و قصد دارد یک «شکست راهبردی» به روسیه تحمیل کند و باعث تجزیه این کشور شود. پوتین در اولین روز جنگ اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ اعلام کرد ورود ناتو به معادله جنگ، به‌معنای عبور از خطوط قرمز راهبردی و استراتژیک مسکو خواهد بود. از آن زمان، پوتین چندین مرتبه اظهاراتی را بیان کرده که غرب از آن به‌عنوان تهدید هسته‌ای تعبیر می‌کند. علاوه‌بر این، پوتین دست به استقرار تسلیحات هسته‌ای تاکتیکی روسیه در بلاروس زده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد پوتین بستر جغرافیایی و عملیاتی تغییر دکترین هسته‌ای کشورش را نیز فراهم ساخته است. اگرچه تا قبل از اظهارات صریح ریابکوف، آمریکا و متحدانش از افزایش کمک‌های نظامی به اوکراین، ازجمله تامین تانک، موشک‌های دوربرد و جت‌های جنگنده اف-۱۶ منصرف نشده بودند، اما به‌نظر می‌رسد این بار «فاجعه» بسیار نزدیک‌تر از حد تصور اولیه غرب است.